

احكام و تعاليم فردى - احتراز از هوای نفس

حضرت بهاء الله



احتراز از هوای نفس

حضرت بهاء الله:

1 - "إنا أمرناكم بكسر حدودات النفس والهوى لا ما رقم من القلم الأعلى إنه لروح الحيوان لمن في الإمكان "

(كتاب اقدس - بند 2)

2 - " تلك حدود الله لا تعتدوها بأهواء أنفسكم " (كتاب اقدس - بند 29)

3 - إياكم أن تفرقكم شئون النفس والهوى كونوا كالأصابع في اليد والأركان للبدن كذلك يعظكم قلم الوحي إن أنتم من الموقنين " (كتاب اقدس - بند 58)

4 - " يا ملأ الإنشاء لا تتبعوا أنفسكم إنها لأمارة بالبغي والفحشاء اتبعوا مالك الأشياء الذي يأمركم بالبر والتقوى إنه كان عن العالمين غنياً " (كتاب اقدس - بند 64)

5 - " يا ابن الوجود اعمل حدودي حبا لي ثم انه نفسك عما تهوى طلبا لرضائي ". (كلمات مكنونه عربي، 38)

6 - " قد خسر الذين بدلوا أمر الله بأهواء أنفسهم وأنكروا حق الله بعد الذي أتى بسلطان العظمة والإقتدار "

(لئلى الحكمة، جلد 3، ص 212)

7- " اى پسر هوى اهل دانش و بينش سالها كوشيدند و بوصول ذى الجلال فائز نگشتند و عمرها دويدند و بلقاي ذى الجمال نرسيدند و تونادويده بمنزل رسيده اى و ناطليديه بمطلب واصل شدى و بعد از جميع اين مقام



TABLET

و رتبه بحجاب نفس خود چنان محتجب ماندی که چشمت بجمال دوست نیفتاد و دستت بدامن یار نرسید
فَتَعَجَّبُوا مِنْ ذَلِكَ يَا أُولِي الْأَبْصَارِ .

(کلمات مکنونه فارسی، 22)

8- " ای بیگانه با بیگانه شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا بیادهای مخالف نفس و هوی خاموش
مکن و طیب جمع عتہای تو ذکر من است فراموشش منما. حُبِّ مرا سرمایه خود کن و چون بصر و جان
عزیزش دار "

(کلمات مکنونه فارسی، 32)

9- " ای پسر روح قفس بشکن و چون همای عشق بهوای قدس پرواز کن و از نفس بگذر و با نفس رحمانی
در فضای قدس ربّانی پیارم ". (کلمات مکنونه فارسی، 38)

10 - " ای بنده من از بند مُلک خود را رهائی بخش و از حبس نفس خود را آزاد کن . وقت را غنیمت
شمر زیرا که این وقت را دیگر نبینی و این زمان را هرگز نیابی ". (کلمات مکنونه فارسی، 40)

11- " ای گياه خاک چگونه است که با دست آلوده بشکر مباشرت جامه خود نمائی و با دل آلوده بکُفایت
شهوت و هوی معاشرتت را جوئی و بممالک قدسم راه خواهی هیّات هیّات عَمَّا انْتُمْ تُرِيدُونَ ". (کلمات مکنونه
فارسی، 68)

12- " ای بنده من مثل تو مثل سیف پر جوهری است که در غلاف تیره پنهان باشد و باین سبب قدر آن بر
جوهریان مستور ماند پس از غلاف نفس و هوی بیرون آی تا جوهر تو بر عالمیان هویدا و روشن آید ". (کلمات
مکنونه فارسی، 72)

13- " ای احبّاً ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و بما ارَادَ النَّفْسُ وَالْهَوَىٰ تَكَلَّمْ مکنید " (ص ۶۵ ظهور عدل
الهی)

14- " ای احبّای حقّ از مفاز ضیقّه نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه
ماوی گیرید تا از نفحات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عزّ احدیه توجه نمایند " (ص ۶۵ ظهور عدل الهی)

15- " یا شیخ از حقّ بطلب آذان و ابصار و افتده عالم را مقدّس فرماید و از هوای نفس حفظ نماید چه که
عَرَض مرضی است بزرگ انسان را از عرفان حضرت موجود محروم مینماید و از تجلیات انوار نیر ایقان ممنوع

میسازد. از فضل و رحمت الهی سائل و آمل که این مانع اکبر را از میان بردارد إِنَّهُ هُوَ الْقَوِيُّ الْغَالِبُ الْقَدِيرُ" (ص ۳۹۴ ج ۳ امر و خلق)

16 - " بعضی از نفوس که خود را به حق نسبت میدهند و به اجنحه نفس و هوی طائرند از حق نبوده و نیستند "

(ص ۳۸۷ ج ۳ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " رشادت و شجاعت ، غلبه بر نفس پر وحشت است زیرا ممکن است که انسان بر شرق و غرب باسانی غالب آید ولی غلبه بر هوی و هوس و نفس خود پرست بسیار مشکل است ". (ص ۱۵۶ ج ۵ مائده آسمانی ط ۱۲۹ بدیع)

2 - " در بلندی همت اطفال بسیار کوشش نمائید که چون به بلوغ رسند مانند شمع برافروزند و به هوی و هوس که شیوه حیوان نادانست آلوده نگردند بلکه در فکر عزت ابدیه و تحصیل فضائل عالم انسانی باشند ". (ص ۲۳۱ اخلاق بهائی)

حضرت ولی امر الله:

1 - " در خصوص سؤالی که کرده اید در آثار بهائی در حقیقت نفس دارای دو مفهوم است و یا در دو مفهوم بکار میرود یکی نفس بعنوان هویت شخص انسانی آنگونه که خداوند او را آفریده است این حقیقت در عباراتی نظیر " مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ " استعمال گردیده است . نفس دیگر نفس اماره است و آن میراث مُظلم و حیوانی است که همه ما آنرا داریم و همان طبیعت دون بشری است که میتواند به دیو موحش خودپرستی ، خشونت ، شهوت و غیره تبدیل گردد. این نفس اماره است که می بایست علیه آن پیکار کنیم " (ص ۳۶ نمونه حیات بهائی - ترجمه مصوب)